

### متن پرسش

سلام علیکم: ممنون از حوصله به خرج دادنتان در پاسخ به سوالات حقیر. استاد بزرگی در قم به بنده ایراد می گرفتند که چرا محاسبات و تصمیماتم بر اساس شهودات و عینیاتم است. مثلاً برای استاد اخلاق گرفتن بنده در کربلا به حضرت سیدالشهدا متوسل شدم که فرد منتخب شان را به حقیر نشان دهند، دیری نپایید که یکی از اساتید به همراه کلی از شاگردانشان در مقابل بنده ظاهر شدند و در همسایگی ما سکنی گزیدند. اما ایشان این مسائل را وهم و خیال می انگاشتند. کار به جایی رسید که حتی به بنده می گفتند جهل مرکب حادث گشته بنده هم دچار شک شدم و اینک این تشکیک به کل عقایدم رخنه کرده به طوری که به پوچی گراییده و اکنون در امورم بسیار متزلزل و سست شده ام. لطفا راهنمایی بفرمایید. ممنون.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره حجت ما، عقل و شرع است. اگر آن استاد بعد از توسل به حضرت اباعبدالله «علیه السلام» برای شما پیدا شد، باز باید بر اساس عقل و شرع، دستورات ایشان را دنبال کنید. و اگر موجب نزدیکی هرچه بیشتر شما به بندگی خدا و فهم انقلاب اسلامی شد، او را بپذیرید. موفق باشید